



نویسنده: ویلیام فاکنر

مترجم: سید عبدالحسین کشاورز

گل سرخی برای امیلی^۱



هنگامی که دوشیزه امیلی گریسان^۲ درگذشت، همه‌ی مردم شهر ما به تشییع جنازه‌اش رفتند؛ مردها به خاطر نوعی غم و اندوه احترام‌آمیز نسبت به او که هم‌چون تندیس یادبودی فرو افتاده بود و زن‌ها بیشتر از روی کنج‌کاوی برای تماشای خانه‌اش که دست‌کم ده‌سالی می‌شد جز نوکری پیر، که هم آشنز و هم باغبان آن‌جا بود، هیچ کس دیگر درون آن را ندیده بود.

این خانه‌ی چوبی که زمانی بزرگ و سفید رنگ بود و شکل مربعی داشت، به سبک ظریف سال‌های دهه‌ی هفتاد^۳ با گنبد نماها، مناره‌های مخروطی شکل و بالکن‌های گچ‌بری شده تزیین شده بود و در خیابانی قرار داشت که روزی خیابان مشهور و پر رفت و آمد شهر بود. اما گاراژها و ماشین‌های پنبه پاک‌کنی سرتاسر خیابان را ملک خود کرده بودند و حتی نام‌های دهان پُر کن آن را از سکه انداخته بودند. تنها خانه‌ی دوشیزه امیلی بود که هنوز استوار بود و زوال و فروافتاده‌گی لجوجانه و عشوه‌گرانه‌اش در میان واگن‌های پنبه و پمپ‌های بنزین خودنمایی می‌کرد - ویرانه‌ای در میان ویرانه‌های دیگر. و اینک دوشیزه امیلی رفته بود تا به صاحبان آن اسم‌های دهان پُر کن

به دنبال صدقه بود بلکه سرهنگ سارتورس داستان اغراق‌آمیزی ساخته بود که گویا پدر دوشیزه امیلی پولی برای آبادانی شهر وام داده و شهر نیز در عوض مصلحت را در این می‌دید که وام را به این شیوه باز پس بدهد. سر هم کردن چنین قصه‌ای فقط از مردی از نسل و طرز فکر سرهنگ سارتورس ساخته بود، قصه‌ای که تنها زن‌ها باور می‌کردند.

وقتی که آدم‌های نسل بعد که افکار جدیدتری داشتند، شهردار و عضو انجمن شهر شدند، قرار سرهنگ سارتورس باعث دلخوری و نارضایتی آن‌ها شد. در سال اول یک برگه‌ی مالیاتی برایش پست کردند. ماه فوریه که رسید و از او پاسخی دریافت نکردند؛ نامه‌ای رسمی برایش ارسال کردند

بپیوند که آن‌جا و در آن گورستان آکنده از بوی کاج، در میان ردیف‌های منظم گورهای بی‌نام سربازان ایالت‌های جنوبی در نبرد جفرسون^۴ به خواب ابدی رفته بودند.

دوشیزه امیلی وقتی زنده بود برای مردم شهر ارزش یک رسم، یک وظیفه و یک نگرانی را داشت. نوعی تعهد موروثی، تعهدی که از آن روزی در سال ۱۸۹۴ شروع شد که سرهنگ سارتورس^۵، شهردار شهر، کسی که این قانون از خود ساخته را در آورده بود که هیچ زن سیاه‌پوستی حق ندارد بدون پیش‌بند در خیابان‌های شهر رفت و آمد کند، دوشیزه امیلی را از روز مرگ پدرش تا آخر عمر از پرداخت مالیات معاف کرده بود. قضیه این نبود که دوشیزه امیلی

*۱ منظور فاکنر ۱۸۷۰ میلادی است. (مک)